

تو که به غربت گل‌ها

گریسته‌ای مرد

گزارش شب شعر خونین دلان

تابش در این شعر وضعیت افغانستان را با آفریقا مقایسه کرده و مزاری و ماندلا را جزء اسطوره‌های تاریخ معاصر به شمار می‌آورد. او در قسمتی از شعرش گفت:

حیف شد رفتی ماندلا!

من و تو شباهت‌های زیادی باهم داشتیم
من هم قاتل پدر را برادر خطاب می‌کنم

اما او هنوز اعتراف نمی‌کند که قتل پدر یک جنایت بوده است.

حسین حیدریگی شاعر و داستان‌نویس، در جایگاه قرار گرفت و شعر سپید بلند «گل مؤمنه» را خواند. در اینجا بخشی از این شعر را با هم مرور می‌کنیم:

حالا آواره‌ام

به دنبال خودم می‌گردم

به دنبال دست‌هایم

پاهایم

به دنبال سرم

سرهای قبیله‌ام

نمی‌دانم در کجای این شهر

گم شده‌اند

در کجای این خاک؟

روحی آواره‌ام در شب‌های شغال کابل

من به دنبال مردی هستم

که روزی روشنایی را فریاد می‌کشید

افشار زخمی بود

بر زمستان‌های استخوان‌هایم

و شبی بر تاریکی «چهار آسیاب»

انسان را می‌گریست

نمی‌دانم این روزها

به دنبال چی هستم

گل مؤمنه

در نوبت بعدی رضا رضایی هنرمند دمبوره‌نواز در جایگاه

ساعت نزدیک ۲ بعد از چاشت است. با جمعی از دوستان وارد سالن اجتماعات دانشگاه ابن‌سینا می‌شویم؛ قرار است شب شعر «خونین‌دلان» در اینجا برگزار شود. این شب شعر به مناسبت ۲۲ حوت، بیست‌ویکمین سالگرد شهادت رهبر شهید استاد عبدالعلی مزاری، دایر گردیده است. این ویژه‌نامه فرهنگی - ادبی از طرف بنیاد اندیشه با همکاری دانشگاه ابن‌سینا، انتشارات امیری و انجمن دانشجویان ابن‌سینا برگزار شده است.

مجری برنامه، خانم حبیبه صادقی، برنامه را اعلان کرد. نخستین سخنران برنامه دین محمد جاوید به فعالیت‌های فرهنگی شهید مزاری اشاره کرد و از فعالیت فرهنگی ایشان سخن گفت. او فعالیت‌های رهبر شهید را در دو بخش آموزش و انتشارات خلاصه کرد و تأسیس دانشگاه شهید بلخی را در قم یکی از آن فعالیت‌ها برشمرد. به گفته وی، ایده تأسیس مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی از جزء برنامه‌های راهبردی آن شهید است.

جاوید در ادامه گفت: شهید مزاری جوانان را تشویق می‌کرد تا قلم به دست بگیرند و هر آنچه در ذهن دارند بنویسند؛ از این رو جوانان را به تمرین نوشتن تشویق می‌کرد. به گفته آقای جاوید شهید مزاری دستور داده بود تا بخش «افغانستان در ماهی که گذشت» در مجله حبل‌الله اضافه شود؛ زیرا که ثبت و ضبط حوادث و رویدادهای روز را به عنوان اسنادسازی تاریخی ضروری می‌دانست. آقای جاوید چاپ نشریاتی چون پیک، پیام‌بابا، پیام‌سستضعفین، حبل‌الله و چند نشریه دیگر از اقدامات و برنامه‌های فرهنگی و مطبوعاتی شهید مزاری برشمرد.

سپس قنبرعلی تابش شاعر معاصر کشور شعر سپید و بلند «ماندلا» را خواند؛ شعری که اینگونه آغاز می‌شود:

ماندلا

آرام بخواب!

تو اسطوره این عصر بی‌اساطیری

شاه‌محمود ترخانی

۱۹۰



محمود جعفری با شعر سپید و بلندش که حاکی روزگار
بعد از شهادت شهید مزاری است حاضرین را مهمانان شعر
خودش کرد. در اینجا بخشی از شعر وی را مرور می کنیم:

ما به مرگ خود اعتراف می کنیم
ما به مرگ خود عادت کرده ایم
ما از یال اسب هامان قمچینی ساختیم
که اینک

تاز یانه ای شده است تا از ما
آواز تلخ هفتاد پشت ما را فریاد آرد.
ما خواسته بودیم بهشتی بنا نماییم
که نام آن افغانستان است
اما دریغ!

این سکه ناچل افتاد
خود در بی مرگ خویش برآمدیم
نفرین شده
سر بر زانوی باد گذاشتیم
و ندانستیم که افغانستان کجاست؟

رفت و با اجرای چند کوک دمبوره در سوگ شهید مزاری
دل های حاضرین در تالار را مهمانش کرد.

در ادامه برنامه محمود حکیمی شاعر از خاطراتش گفت.
وی از خاطرات شهید مزاری، شهید ابوزر و دوره های جنگ
قصه کرد. از زمانی گفت که در دست طالبان اسیر می شود و به
چار آسیاب برده می شود. طالبی که دستاری بر سر و دستاری
بر کمر بسته است می آید و می گوید: «عبدالعلی تان را هم
گرفتیم.»

حاجی علی میرزایی نیز از خاطرات شهید مزاری سخن
گفت و از اقدام حکومت وحدت ملی مبنی بر حکم اهدای
عنوان «شهید وحدت ملی» به شهید مزاری اظهار خوشحالی
کرد.

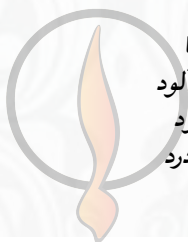
این عنوان به ابتکار اندیشمند فرهیخته جناب استاد سرور
دانش معاون دوم رئیس جمهور و تلاش حاجی محمد محقق
معاون دوم ریاست اجراییه و شخصیت های سیاسی دیگر از
سوی حکومت وحدت ملی با حکم رسمی رئیس جمهور به
رهبر شهید اعطا گردیده است.



معصومه رها، مینا نصر، خانم کبرا، سمیع دره‌ای و سید رضا محمدی از جمله شاعرانی بودند که به خوانش شعرهای خویش پرداختند.

سید رضا محمدی با دکلمه زیبا و شورانگیز خود محفل خونین دلان را چنین پایان می‌بخشد:

تو که به غربت گل‌ها گریستی ای مرد
و در غریب‌ترین لحظه زیستی ای مرد
گذشتی از عطش دشت با تبی موهوم
و کس نگفت به دنبال چیستی ای مرد
شبی که برف به گل‌های قریه می‌بارید
پراز درخت شدی تا بایستی ای مرد
نمای خستگی‌ات در تمام قریه شکفت
و هیچ کوچه نپرسید کیستی ای مرد
به خون نشسته تمامی قریه‌مان اینک
که قریه‌دار تویی و تو نیستی ای مرد
هنوز هم اثر آخرین تهاجم هست
هنوز هم اثر زخمی تبسم هست
هنوز نام تو تاب و توان مردان است
هنوز گام تو در آسمان مردان است
حدیث رنج تو را با پاره‌پاره خواهیم گفت
و دردهای تو را با ستاره خواهیم گفت
نشسته‌ام به عزایت، نشسته‌ام در خون
و بغض‌های گلو را شکسته‌ام در خون
دوباره گریه نمودم کنار دار خودم
«دوباره فاتحه خواندم سر مزار خودم»
بگو چگونه نگویم زیبی تو بودن‌ها
و دل چگونه ببندم به این سرودن‌ها
سلام بر تو سلامی چو گریه خون‌آلود
و مثل سرخ‌ترین اشک‌ها جنون‌آلود
میان این همه دشته، میان این همه درد
بلند شو به جواب سلام ما ای مرد





گزارش از سومین جشنواره بین‌المللی فیلم حقوق بشر افغانستان



موسیقی آغاز گردید. ابراهیم عارفی رئیس موسسه افغان فیلم درباره جشنواره و هفته حقوق بشر صحبت کرد. بعد از آن واحد نظری به نمایندگی از هیأت‌دوران جشنواره راجع به جوایز جشنواره و مسائل فرهنگی کشور صحبت کرد.

آغاز این جشنواره با نمایش یکی از بهترین فیلم‌های جشنواره قبل یعنی دموکراسی چیست؟ شروع شد. در سومین دور این جشنواره ۲۰۰ فیلم از ۲۸ کشور برای رقابت فرستاده شده بود. از میان آنها ۳۹ فیلم از ۱۶ کشور به نمایش گذاشته شد. فیلم‌ها از نظر فرم در دو بخش داخلی و خارجی همچنین در بخش‌های مستند و داستانی جمع‌آوری شده بودند. دو چرخه، فیلم و زندگی، مرد خانه، تنهایی، شانه‌به‌شانه، افغانستان درهم‌شکسته و... عنوان فیلم‌هایی‌اند که برای سومین جشنواره فیلم حقوق بشر فرستاده شده بودند. این جشنواره در ابتدا با هدف حمایت از سینمای نوپای افغانستان شکل گرفت؛ اما بنا به گفته ملک شفیعی دبیر این جشنواره تمرکز اصلی جشنواره سوم به موضوع حقوق بشر بوده است.

هیأت‌دوران سومین جشنواره بین‌المللی فیلم حقوق بشر افغانستان در نهایت جوایز خود را بر اساس معیارهای اعلام شده به فیلم‌سازان و هنرمندان و همچنین بهترین فیلم‌ها به قرار زیر اهدا کرد:

صنعت فیلم‌سازی و سینما در افغانستان قصه پردردی دارد. با این حال از سال ۲۰۰۱ بدین سو به‌رغم همه سختی‌ها و مشکلات پیشرفت‌های خوبی داشته که می‌توان از برگزاری جشنواره‌های مختلف فیلم و سینما نام برد. این در حالی است که دولت افغانستان در طی سال‌های گذشته برنامه روشنی در حمایت از تولیدات هنری و سینمایی نداشته است؛ حتی در موقعیت‌هایی از سوی اهالی فرهنگ و هنر متهم به فرهنگ‌ستیزی و دشمنی با آن شده است. **بنیاد اندیشه** اساس جشنواره بین‌المللی فیلم حقوق بشر افغانستان در سال ۲۰۱۱ میلادی با شرکت تعداد زیادی فیلم‌های داخلی و خارجی شرکت کرده، گذاشته شد. دومین دور برگزاری این رویداد مهم فرهنگی، دو سال پیش با شعار «از سیب سرخی حرف می‌زنیم که سهم تمام شهروندان جهان است» آغاز شد. در آن جشنواره ۳۶۰ فیلم شرکت داده شده بود. با اینکه بیشتر فیلم‌ها تولید افغانستان نبودند؛ اما سهم افغانستانی‌ها در آن پررنگ بود که می‌توان به فیلم‌های افغانستان کوچک ساخته بصیر سیرت و آخرین رئیس جمهور از محمد جمیل زاله اشاره کرد که بهترین فیلم‌ها و از برندگان این جشنواره شناخته شدند. سومین جشنواره بین‌المللی فیلم حقوق بشر افغانستان روز شنبه ۱۴ قوس ۱۳۹۴ در کابل افتتاح شد. مراسم با اجرای

حسین علی کریمی



فیلم آنجلوس ناووس به کارگردانی ابوذر امینی تعلق گرفت که به دلیل عدم حضور فیلم‌ساز در جشنواره سید رضا محمدی رئیس اتحادیه نویسندگان افغانستان جایزه ایشان را از هیأت داوران تحویل گرفت. در بخش فیلم‌های بین‌المللی جوایز سومین جشنواره به فیلم‌های زیر تعلق گرفت:

لوح تقدیر، یادبود سومین جشنواره و جایزه نقدی پنج صد دلاری و تندیس جشنواره به فیلم من ریوا هستم به کارگردانی نوری و تنیس جشنواره به فیلم من ریوا هستم به کارگردانی نوری و تنیس جشنواره، یادبود جشنواره، جایزه نقدی پنج صد دلاری و تندیس جشنواره به فیلم پیوند خونی به کارگردانی نمیشا موکرگی از کشور کانادا تعلق گرفت. در بخش حقوق بشر این جشنواره، لوح تقدیر و تندیس جایزه فعال حقوق بشر به باقی سمندر برای فعالیت‌های حقوق بشری و تلاش‌های ایشان در عرصه‌های اجتماعی تعلق گرفت. همچنین لوح تقدیر و تندیس جایزه فعال حقوق بشر به دکتر سیما ثمر به خاطر یک عمر تلاش مستمر ایشان در زمینه‌های آموزشی، صحت و... اختصاص یافت. سرانجام جایزه یک عمر فعالیت سینمایی از سوی کمیته داوران این جشنواره به انجنیر لطیف احمدی برای یک عمر فعالیت سینمایی تعلق گرفت.

لوح یادبود و سپاس و جایزه نقدی دوصد دلاری بهترین فیلم‌نامه‌نویس به معصومه ابراهیمی برای فیلم «دایره» به کارگردانی خودش تقدیم گردید. لوح یادبود و سپاس و جایزه نقدی دوصد دلاری بهترین فیلم‌برداری به سید مسعود اسلامی برای فیلم «دستکول گمشده» به کارگردانی نصیر هاشمی تعلق گرفت.

لوح یادبود و سپاس و جایزه نقدی دوصد دلاری بهترین بازیگر مرد به مرتضی علوی برای بازی در فیلم ماز به کارگردانی سید مسعود اسلامی و لوح سپاس و جایزه نقدی دوصد دلاری بهترین بازیگر زن به خانم خوشبو یوسف‌زی برای بازی در فیلم آب به کارگردانی سید جلال روحانی اهدا گردید.

لوح سپاس و یادبود جشنواره و همچنین جایزه نقدی دوصد دلاری را فیلم تارگیننگ از آن خود کرد. به دلیل نبود فیلم‌ساز در افغانستان از خانم فرشته کاظمی بازیگر فیلم دعوت گردید تا روی صحنه آمده و جایزه را تحویل بگیرد.

لوح سپاس و یادبود سومین جشنواره و همچنین تشویقی هیأت‌داوران به فیلم‌های دانشجویی به سلطانعلی نظری برای فیلم ردپا اختصاص یافت. لوح تقدیر جشنواره و جایزه نقدی پنج صد دلاری همچنین تندیس صلصال جشنواره به بهترین فیلم داستانی در بخش فیلم‌های داخلی به انتخاب هیأت‌داوران

گزارش از جشنواره بین‌المللی فیلم مهرگان



شد و برندگان آن سوار بر «اسب زرین» به خانه‌های خود رفتند.

اسب زرین بهترین تدوین را ادریس صالحی برای تدوین فیلم فصل معکوس دریافت کرد و اسب زرین بهترین هنرپیشه زن به بانو لینا علم برای بازی در فیلم ناشناخته تعلق گرفت. سعادت بهنام هنرپیشه خردسال جایزه بهترین هنرپیشه مرد را گرفت. سید شهاب‌الدین احمدیار تدیس بلورین بهترین فیلم‌نامه را از آن خود کرد. فیلم واسکت، اسب زرین بهترین فیلم از نگاه هیأت‌داوران را در بخش نویسندگی و کارگردانی گرفت.

تدیس بلورین بهترین صداپردازی به جلال حسینی، صداپرداز فیلم آخر قصه اختصاص یافت و جایزه بهترین نورپردازی را حامد رحیمی برای نورپردازی فیلم «گل» دریافت کرد. اسب زرین بهترین تصویربرداری به ذبیح‌الله سیفی عسکری برای کارگردانی فیلم گل تعلق گرفت و جایزه بهترین کارگردانی به نماینده غلامرضا جعفری، کارگردان فیلم قهوه و چای سبز تحویل داده شد.

دومین جشنواره بین‌المللی فیلم مهرگان پس از پشت سر گذاشتن موانع فراوان امنیتی و چندین ماه تأخیر سرانجام شامگاه پنجشنبه ۱۶ میزان با برپایی آیین اختتامیه در کابل پایان یافت.

این جشنواره که از روز یکشنبه ۱۲ میزان با پیام معاون اول رئیس‌جمهور و حضور کارشناسان اداره امور و مشاورین دفتر ریاست جمهوری، مقامات وزارت فرهنگ و شمار زیادی از هنرمندان در تالار «مرکز ساینس وزارت معارف» افتتاح شد پس از پنج روز به این دوره از کار خود پایان داد.

در روزهای نمایش فیلم‌ها و برنامه‌های جانبی، یکی از روزها به قدردانی از هنرمندان پیش‌کسوت سینما اختصاص یافته بود. عصر سه‌شنبه ۱۴ میزان از نیم‌قرن کارنامه هنری استاد قادر فرخ و تلاش‌های بانو عقیده رضایی با حضور هنرمندان و استادان دانشگاه در تالار نمایش آکادمی هنر نیکوداشت شد.

عصر پنج‌شنبه ۱۶ میزان آیین خاص اختتامیه و مراسم اهدای جوایز برگزار شد و در این برنامه، پس از اعلام ۲۷ کاندیدای دریافت جایزه، ۱۱ جایزه به برندگان بخش‌های مختلف اهدا

محمد کیامهر



در بخش مسابقه مواد تبلیغاتی ادریس صالحی لوح یادبود ساخت بهترین تریلر فیلم را دریافت کرد. احمد ظفر محبی جایزه بهترین طراح پوستر فیلم را برای طراحی پوستر فیلم هفتاد ثانیه تا پیروزی گرفت. اسب‌های جشنواره در حالی به هنرمندان اهدا شد که هم‌زمان با آن یکی از کافه‌های نزدیک محل برگزاری جشنواره مورد حمله یک گروه انتحاری قرار گرفت.

در شب افتتاحیه جشنواره فیلم مهرگان اطراف سفارت روسیه که به محل جشنواره نزدیک است مورد حمله انتحاری قرار گرفت و شلیک‌های دوام‌دار گلوله آرامش لغزان کابل را سلب کرد.

جشنواره فیلم مهرگان به علت مشکلات امنیتی با ۹ ماه تأخیر برگزار شد. دور دوم این جشنواره که قرار بود زمستان سال گذشته در سالن آمفی‌تئاتر مرکز فرهنگی فرانسه افتتاح شود؛ اما دو روز مانده به مراسم افتتاحیه زمانی که همه چیز آماده بود و مهمانان داخلی و خارجی دعوت‌شده بودند سالن یادشده مورد حمله انتحاری قرار گرفت که به دلیل کشته و رخمی شدن

هنرمندان جشنواره برای مدت طولانی به تعویق افتاد. علی محمدی کیان، رئیس آکادمی هنر و علوم سینمایی و دبیر جشنواره در روز افتتاحیه جشنواره سال گذشته را بدترین سال برای سینمای افغانستان توصیف کرد. ابراهیم عارفی رئیس افغان فیلم با ابراز نگرانی از وضعیت هنرمندان گفت: در ۹ ماه گذشته ۵۰ فیلم‌ساز کشور را ترک کرده و دولت افغانستان به جای فرهنگ مداری، فرهنگ ستیزی را در پیش گرفته است. در دومین جشنواره فیلم مهرگان ۱۹۰ اثر در بخش مسابقه ملی، نمایش ویژه، بخش بین‌الملل و مسابقه مواد تبلیغاتی شرکت کرده بودند.

این جشنواره با مدیریت آکادمی هنر و علوم سینمایی و همکاری شرکت تبلیغاتی کابل‌پن، روزنامه ۸ صبح، موسسه آمو مدیا، ریاست افغان فیلم و تالار مرکز ساینس وزارت معارف از ۱۲ تا ۱۶ میزان برگزار شد. به گفته برگزارکنندگان این جشنواره، قرار است دوره‌های بعدی جشنواره همه‌ساله در همین تاریخ برگزار شود.



گزارش از فعالیتهای ادبی در کابل

با نگاهی به فعالیتهای بنیاد اندیشه

وابسته پرهیزند؛ در نتیجه یا خانه نشین شوند و یا به نهادهای فرهنگی مخالف روی بیاورند.

وابستگی اقتصادی عامل دیگری بر این مسئله به شمار می رود؛ زیرا نهادهای فرهنگی عمدتاً غیراقتصادیاند. فعالیتهای ادبی آنها هرگز نمی تواند نیازمندی اقتصادیشان را برآورده سازد. از اینجهت نهادهای ادبی بدون اتکا به حمایت های اقتصادی امکان ظهور و دوام ندارد. نهادهای ادبی که طی این سالها در کابل شکل گرفتند، نیز به دلیل نداشتن و یا عدم تداوم کمک های اقتصادی جریان های سیاسی از فعالیت بازماندند.

برخی از نهادها و انجمن ها که کارهایشان را از طریق پروژه های خارجی به پیش می بردند، با قطع شدن این پروژه ها دست از فعالیت کشیدند. در نهایت محافل ادبی از رونق خود بازایستاد. مهاجرت شمار قابل توجهی از شاعران و نویسندگان از کشور، عدم همدلی نسل قدیم با نسل جدیدی از شاعران و نویسندگان، نداشتن بنیادهای فکری ادبی و کارکرد قابل قبول نهادهای فرهنگی - ادبی از دیگر عواملی بودند که موجب تعطیلی انجمن های ادبی و در نتیجه رخوت ادبی در کابل

پس از فروپاشی رژیم طالبان و استقرار دولت موقت، حرکتها و فعالیتهای ادبی نیز آغاز گردید. حلقهات و انجمنهای ادبی زیادی در پایتخت، هرات، بلخ، سمنگان، بدخشان، تخار و غزنی شکل گرفت. از میان حوزه های ادبی هرات، مزار، بلخ، تخار و کابل، دو حوزه ادبی بلخ و کابل بیشتر از همه درخشیدند. فعالیتهای ادبی در کابل از اوایل دهه هشتاد شروع شد. این روند با تأسیس انجمن های مختلف ادبی - فرهنگی، جلسات نقد ادبی، کارگاه های آموزش شعر و داستان، محافل شعرخوانی، همایش های دیگر فرهنگی - ادبی به رونق فعالیت ادبی جان داد و تأثیر فراوانی روی تربیت شاعران و تولیدات ادبی برجای گذاشت؛ تا آنجا که می توان شاعران برآمده از این دوره را جزء بهترین شاعران معاصر افغانستان به شمار آورد.

متأسفانه این رونق، تحت تأثیر عوامل متعددی نتوانست دیر بیاید و شکوه و جلال خویش را حفظ کند. یکی از این دلایل وابستگی این نهادهای فرهنگی و ادبی به گروه ها و جناح های سیاسی بود. تعلق خاطر این نهادها به احزاب سیاسی باعث شد تا شماری از شاعران و نویسندگان، از رفتن در محافل ادبی

محمد جاوید



گردیدند؛ اما در این میان، نهادهای انگشت‌شماری هم باقی ماندند که به فعالیت‌هایشان ادامه دادند؛ که از آن جمله می‌توان به انجمن قلم، خانه ادبیات، کاشانه نویسندگان، آکادمی هنر و علوم سینمایی، دُرَدری و... اشاره کرد و جمع‌هایی چون انجمن کَمَنَه و دیگر نهادهای مشابه از فعالیت بازماندند.

البته طی سال‌های اخیر نهادهای تازه ادبی نیز آغاز به فعالیت کرده‌اند و کم‌وبیش مسیرهای تازه‌ای را تعقیب می‌کنند. یکی از این نهادها، «بنیاد اندیشه» است. بنیاد اندیشه یک نهاد علمی-فرهنگی است که به‌دور از اغراض سیاسی توسط شماری از نخبگان علمی-فرهنگی جامعه ایجاد شده است و در حوزه‌های مختلف، علمی، پژوهشی، آموزشی و ادبی فعالیت‌هایش را آغاز کرده است.

نخستین دست‌آورد این نهاد، فصلنامه علمی-تخصصی اندیشه معاصر است که شماره نخست آن از چاپ بیرون شده و شماره دوم آن نیز به‌زودی از چاپ بیرون خواهد آمد. همچنین از دیگر دست‌آوردهای آن اقدام به نشر فصلنامه فرهنگی، ادبی و هنری است که در جهت تقویت و حمایت از فرهنگ، ادبیات و هنر یا رویکرد ادبیات و هنر افغانستان و ملل و همچنین ایجاد یک کانون ماندگار فرهنگی، ادبی و هنری گام برخواهد داشت.

بنیاد اندیشه ضمن پاور به ارزش‌های ماندگار فرهنگی و پاسداری از فعالیت‌های فرهنگی نهادهایی چون انجمن ادبی کابل، انجمن ادبی هرات و... که در طی سالیان گذشته رسالت

فرهنگی، ادبی و هنری را بر دوش کشیدند، تلاش می‌ورزد که کارهای مؤثر، سامان‌یافته و پخته‌ای را عرضه کند.

بنیاد اندیشه علاوه بر نشر این دو فصلنامه و فصلنامه‌های دیگر که شاید به نشر خود آغاز کنند، برنامه‌های دیگری از قبیل چاپ آثار علمی-پژوهشی، برگزاری کارگاه‌های داستان‌نویسی و شعر نیز دارد. کارگاه‌های ادبی و یا جلسات هفتگی نقد شعر یکی از این برنامه‌هاست که از سه ماه بدین سو هر هفته به روزهای پنجشنبه در مرکز «بنیاد اندیشه» برگزار می‌گردد و شاعران جوان و خوش‌قریحه در آن اشتراک کرده به بحث روی مسائل ادبی و شعری می‌پردازند.

و آخرین نکته اینکه بنیاد اندیشه صرفاً با رویکرد فرهنگی، علمی تأسیس شده است. این نهاد رویکرد سیاسی و اقتصادی ندارد تا از شعور فرهنگی-علمی به شعار فرهنگی و علمی متوسل و متمسک شود؛ بنابراین این نهاد یک حرکت فرهنگی است و قصد دارد تا زمینه شکوفایی نسل جوان و بویا را فراهم سازد و راه را برای ارائه بهتر خدمات چاپ و نشر آثار علمی و ادبی برای نخبه‌گان فکری هموار نماید.

نیکوداشت شادروان محمدناصر نصیب



حسین علی کریمی

دیگر از سخنانش گفت: «افتخار دارد که دختر مردی است که زبان درد و رنج مردمش بوده است.»

غفور لیوال معین وزارت سرحدات، اقوام و قبایل دومین سخنران این برنامه بود. لیوال صحبت‌هایش را با این شعر از شادروان نصیب آغاز کرد: «خوشا روزی که پشتون و هزاره، تعصب را نهند هر دو کنار». لیوال دربارهٔ روانشاد نصیب گفت: «او شخصیت مهربان، دلسوز و عالی داشت. از همان دوران جوانی که با استاد آشنا شدم سخت تحت تأثیر اخلاق نیکو و شخصیت منحصر به فرد او قرار گرفتم. او برای من قبل از اینکه یک شاعر و یا آموزگار باشد مثل کاکایم بود.»

لیوال گفت: استاد از معدود شاعرانی است که هم به زبان دری و هم به زبان پشتو شعر سروده است. استاد نصیب جزء شاعرانی بود که ویژگی‌های زبان پشتو را به درستی درک کرده بود. لیوال افزود: جامعهٔ هزاره از ادبیات فولکلور ارزشمندی برخوردار است.

هادی میران شاعر معاصر، سومین سخنران این برنامهٔ فرهنگی و ادبی بود. آقای میران بیشتر دربارهٔ شخصیت ادبی و اخلاقی روانشاد نصیب صحبت کرد.

او گفت: استاد نصیب بدون هیچ تردیدی یکی از چهره‌های ماندگار در ادبیات فولکلور هزارگی و از بنیان‌گذاران معارف مدرن در افغانستان است. استاد نصیب یک آموزگار متعهد به

در تاریخ ۱۷ جدی سال ۱۳۹۴ از یک عمر فعالیت‌های ادبی و فرهنگی شادروان محمدناصر نصیب شاعر و نویسندهٔ کشور توسط «مجمع فرهنگی چوغس» در کابل نیکوداشت برگزار گردید. تعداد زیادی از شاعران، ادب‌دوستان، استادان و هنرمندان شرکت کردند که برخی از شرکت‌کنندگان از کارنامه و فعالیت‌های ادبی و فرهنگی آن شادروان سخنرانی کردند.

روانشاد محمدناصر نصیب شاعر، ادیب و آموزگار در سال ۱۳۰۷ هجری شمسی در روستای کلان‌دیوار راقول ولسوالی مرکز بهسود ولایت وردک در خانوادهٔ فرهنگی پا به عرصهٔ زندگی گذاشت، وی در سال ۱۳۴۵ اولین مجموعه اشعارش نشر شد. سال ۱۳۶۵ هجری شمسی مجموعه‌ای دیگری از شعرهایش را بنام «گله‌ای کهسار» به چاپ رسانید. از وی در سال ۱۳۷۰ هجری شمسی دفتری دیگری بنام «زمزمه‌های روستا» که شامل دوبیتی‌هایی از خود ایشان و دوبیتی‌های محلی است به چاپ رسید. همچنین روانشاد نصیب پژوهش‌های ارزنده‌ای را در بخش‌های ادبیات عرفانی و فرهنگی و فولکلور از خود به یادگار گذاشته است.

نفسه نصیب اولین سخنران این برنامه بود. او در بخشی از صحبت‌هایش در مورد ویژگی‌های اخلاقی شادروان نصیب چنین گفت: استاد نصیب برای تأمین عدالت و برابری جنسیتی، قومی و مذهبی مبارزه کرد. خانم نصیب در قسمت



چهارمین سخنران این محفل آقای وثیق رئیس روابط سیاسی اداره امور ریاست جمهوری بود. او گفت: یکی از همکاران نزدیک استاد هستیم که نزدیک به ده سال در یک اداره باهم یکجا کار کردیم. استاد نصیب از عصر خود یک قدم پیش‌تر بود. اگر همه مثل استاد نصیب می‌بودند اینک ما افغانستانی آباد و مترقی داشتیم. او هیچ‌وقت از اصول انسانی که برای خود تعریف کرده بود فراتر نمی‌رفت. از همین رو همیشه از ارزش‌های انسانی پاسداری می‌کرد.

پنجمین سخنران این محفل آقای جلال نورانی همکار و دوست نزدیک زوانشاد نصیب بود که از خاطرات مشترکش با وی صحبت کرد. او گفت: در دهه ۶۰ خورشیدی با استاد آشنا شدم. هردویمان در روزنامه «انیس» همکار بودیم. آقای نورانی افزود: استاد علاوه بر اشعار عاشقانه و عارفانه طنزهای منظوم بسیار پخته‌ی نیز داشت که تعدادشان آن زمان در روزنامه «انیس» چاپ شد. نورانی از خانواده‌ی استاد خواست تا طنزهای آن شادروان را جمع‌آوری کرده و زمینه چاپ آن را فراهم کند. در پایان برنامه محمدصابر نصیب فرزند شادروان نصیب از برگزارکنندگان و شرکت‌کنندگان این محفل سپاس‌گزاری کرد. سپس و محفل با اجرای ترانه شنیدنی از شعرهای شادروان نصیب توسط نعمت‌الله عزیزی به پایان رسید.

ارزش‌های انسانی و در تلاش ایجاد فضای وحدت و همدلی میان مردم افغانستان بود. او در گوشه گوشه افغانستان برای همدلی و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز میان اقوام افغانستان زحمت کشید و در کشاکش روزگار و در گذرگاه پریچ‌وخم زندگی با مشقت‌های نیز مواجه گردیده است، طوری که بخش مهم از سروده‌های استاد برگرفته از وضعیت موجود و هنجارهای مسلط بر مناسبات اجتماعی زمان وی است. او در شعرهایش از جدا افتادگی‌های مردم افغانستان سخن می‌گوید و از کسی که قربانی تبعیض و تعصب است. مشکل ما در افغانستان عدم نظام دانایی است و استاد نصیب یکی از چراغ‌افروزان دانایی و از بنیان‌گذاران نظام دانایی در افغانستان است؛ زیرا کسانی که تعلیم و تربیت را ترویج می‌کنند از چراغ‌افروزان دانایی‌اند. میران در بخش دیگر از سخنانش گفت: قطع‌نظر از اینکه در صنایع شعری، استاد چقدر تسلط داشت و چه قدر از شگردهای شعری استفاده می‌کرد که یک بحث جدا است؛ اما آنچه او را در تاریخ ادبیات فولکلور افغانستان برجسته و ماندگار می‌سازد کارهای ارزشمند و سروده‌های ارزشمند او در زبان دری و لهجه هزارگی است. او در لهجه هزارگی دوبیتی‌های بسیار فراوان سروده است که بیان‌گر وضعیت اجتماعی، مناسبات اجتماعی و سنت و قراردادهای حاکم بر مناسبات اجتماعی زمان وی است.

صلح لبخند می زند



نسل امروز افغانستان شاید صلح را در زندگی خود نبیند؛ اما برای نجات نسل بعدی از خشونت و جنگ باید تلاش کند. شش ماه پیش، اعضای این سازمان، کمپین هزار لبخند برای صلح را زمانی از کابل آغاز کردند که فضای افغانستان کاملاً ناامیدکننده شده بود. تعداد زیادی از جوانان، وطن را به مقصد کشورهای اروپایی ترک می کردند. این کمپین خوشبختانه توانست به چندین کشور دیگر نیز راه یابد. در این کمپین، افرادی با ادیان و نژادهای مختلف، عکس های لبخند خود را برای این سازمان ارسال کردند؛ با این هدف که صلح و دوستی را از طریق لبخند زدن که زبان مشترک تمامی انسان هاست، در سراسر جهان به ویژه افغانستان گسترش یابد. همچنین نشان داده شود که تمام مردم دنیا از جمله شهروندان افغانستان از جنگ خسته اند. آنان صلح می خواهند. آنان دیگر نمی خواهند که فرزندان شان و نسل فردا قربانی سیاست های غلط گذشته شوند. می خواهند بگویند: ملاک برتری انسان ها فقط انسانیت آنان است نه نژاد، دین، قوم و غیره. فیض احمد صدق در ادامه می افزاید: در روز اول نمایشگاه،

سازمان اجتماعی دنیای بدون خشونت با شعار صلح لبخند می آورد، نمایشگاه عکسی را زیر نام هزار لبخند برای صلح در شهر کابل به مدت سه روز در سه نقطه مختلف این شهر برگزار کرده بود. هدف از برگزاری این نمایشگاه حمایت از نیروهای امنیتی کشور و انتقال لبخند و شادی شهروندان افغانستان به این نیروها بود. عکس های این نمایشگاه به مدت شش ماه توسط یک کمپین، از اقوام مختلف افغانستان و شهروندان دیگر کشورها جمع آوری شد. معیار گزینش عکس های این نمایشگاه لبخند آن عکس ها بوده است که حس خوشی را به هموطنان مان انتقال دهد و زندگی و امید در آن لبخند دیده شود. روز اول این نمایشگاه در قصر دارالامان برگزار شد. فیض احمد صدق رئیس سازمان دنیای بدون خشونت می گوید: هدف از برگزاری این نمایشگاه نه تنها حمایت از نیروهای امنیتی کشور است؛ بلکه رساندن پیام صلح از یک انسان به انسان دیگر، آوردن اتحاد بین مردم افغانستان، معرفی مخروبه های نسل ویرانگر به نسل جوان و تشویق جوانان برای بازسازی افغانستان است. آقای صدق همچنین می افزاید:

قدرت الله رجوی



پنج‌شنبه ۱۵ دلو در دفتر نهاد دانش‌آموختگان افغان برگزار شد. در ابتدای برنامه فیض‌احمد صدق رئیس سازمان دنیای بدون خشونت پیرامون نمایشگاه صحبت کرد. وی از داکتر لوتر کینگ این مبارز آزادی خواه که پایبند به عدم خشونت بود سخن گفت.

سپس آقای باری سلام رئیس نهاد دانش‌آموختگان طی صحبتی پیرامون این برنامه بر لزوم وجود چنین برنامه‌هایی برای ترویج فرهنگ صلح در جامعه تأکید کرد. در ادامه برنامه گروه تئاتر به اجرای نمایش جالبی برای حاضران پرداخت. بعد به حاضران فرصت داده شد تا نظر خود را پیرامون برنامه ابراز کنند.

قرار شد این نمایشگاه یک ماه بعد در شهر مزار شریف نیز برگزار گردد. برخی از برگزارکنندگان این نمایشگاه می‌گویند: تعداد زیادی از فعالان جامعه مدنی در ولایت‌های مختلف کشور برای برگزاری نمایشگاه در ولایاتشان تمایل نشان داده‌اند. از سوی دیگر ابراهیم صافی رئیس انجمن اندیشه بدون مرز از سویدن خبر می‌دهد که قرار است به‌زودی نمایشگاه هزار لبخند برای صلح در چند شهر سویدن نیز برگزار گردد تا صدای صلح‌خواهی و پیام صلح این ملت جنگ‌دیده را فراتر از مرزها بکشاند.

قابل‌یادآوری است که این نمایشگاه از سوی سازمان دنیای بدون خشونت با همکاری انجمن اندیشه بدون مرز، نهاد دانش‌آموختگان افغان، انجمن علمی امید جوانان، رستوران تساج بیگم و موسسه مطالعات حقوق بشر برای صلح در افغانستان برگزار شد.

عکس لبخند شهروندان کشورهای مختلف را در کنار خرابه‌های قصر دارالامان نصب کردیم تا به جهانیان نشان دهیم که نسل امروز، خرابه‌های گذشته را با لبخند می‌سازند و دیگر نمی‌خواهند در کشورشان جنگ و خشونت افزایش یابد. مردم افغانستان مکلف هستند تا راه بدون خشونت را برای حل مسائل ملی و داخلی‌شان انتخاب کنند.

در ابتدای برنامه محمد کاوه برای حاضران، چند آهنگ دل‌نواز اجرا کرد. سپس فیض‌احمد صدق رئیس سازمان دنیای بدون خشونت و دیگر همکاران برنامه دقایقی چند به تشریح برنامه پرداختند. در ادامه برنامه راشد آریا یکی از چهره‌های امسال ستاره افغان، برای حاضران از صلح خواند و گوش آنان را نوازش داد که با تشویق حاضران نیز همراه بود. سپس شرکت‌کنندگان به تماشای عکس‌های لبخندها پرداختند.

فاطمه یکی از اشتراک‌کنندگان این نمایشگاه می‌گوید: این نمایشگاه برای تشویق و روحیه دادن مردم مفید است. وی افزود: در واقعیت این چنین فعالیت‌های مدنی می‌تواند تصویر مثبت از افغانستان برای جهانیان ارائه کند تا جهان بداند که در افغانستان کسانی هستند که برای آوردن صلح از راه بدون خشونت مبارزه می‌کنند و تعداد زیادی از شهروندان این کشور خودشان را در قبال سرنوشت شهر و سرزمینشان مسئول می‌دانند.

روز دوم نمایشگاه به تاریخ چهارشنبه ۱۴ دلو در یکی از رستوران‌های کارته سه برگزار شد. درآمد این رستوران صرف درمان معتادان می‌شود. جمع زیادی برای بازدید از نمایشگاه به این رستوران آمده بودند. با دیدن عکس‌ها، لبخند صلح بر لبانشان نقش بسته بود.

روز سوم و روز اخیر نمایشگاه هزار لبخند برای صلح به